

بخش نوزدهم



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در سیر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

به پیروزی عظیم و پرسروصدایی توفیق یافت و قدرت رومیان در غرب، شاپور را مجبور می‌ساخت که همواره آماده نبرد باشد.

شاهنشاهی کوشان، که در سایه تجارت بین‌المللی ثروتمند شده بود، در مقابل قدرت نظامی شاپور به زانو درآمد و سرانجام بر اثر فتوحات پی‌درپی این پادشاه جوان، سلسله کوشان منقرض گردید و شهر پیشاور و دره سند و ایالت بلخ و سمرقند و تاشکند به تصرف ایرانیان درآمد.

در جبهه غرب نیز شاپور پس از سالها نبرد، سرانجام

پیدایش سلسله ساسانیان- دوران زمامداری شاپور در برخی از پارچه‌های دیگر دوره ساسانی، نقش دیگری هست که سابقه قدیمی دارد و آن صورت شاه‌ی سوار بر اژدهاست که با جانوری افسانه‌های گلاویز شده و در زیر آن شیرها و برغاله‌های هستند و شاه از یک‌طرف بچه شیری و از طرف دیگر مرغ شکاری بر دست دارد. نقش اژدها و جانور افسانه‌ای که در این پارچه‌ها جود دارد، در حجاری‌های تخت جمشید نیز دیده می‌شود.

از این پارچه‌ها نمونه‌های بسیاری در کلیسای سنت اورسول آلمان و موزه کلونی پاریس وجود دارد که صورت یزدگرد سوم در آنها دیده می‌شود.

شاپور اول

اردشیر قبل از مرگ، فرزند خود شاپور را در سلطنت شریک کرد. شاپور در دوران زمامداری، انضباط بیشتری در ارتش و سازمان اداری کشور پدید آورد. او نیز مانند پدر با مشکلات و مسائل خارجی چندی مواجه بود؛ شاهنشاهی کوشان در شرق، مشکل ارمنستان، تهدید و فشار بدویان بر معابر قفقاز، و



تصویر شماره ۲- شاپور اول



تصویر شماره یک- اردشیر، تاج‌شاهی را به فرزندش شاپور می‌دهد



در قرن دوم قبل از میلاد، مردم آسیای مرکزی با ابریشم آشنایی داشتند زیرا چینی‌ها آن را به شکل نخ به آن نواحی صادر می‌کردند. پارت‌ها نیز در دوران اقتدار خود، نساجان قابلی داشتند که منسوجات پشمی و کتانی خوبی برای آنها می‌یافتند

در پارچه‌های دیگر ساسانی که تا امروز مانده، صورت شاه در شکار سوار بر اسب بالدار یا جانور افسانه‌های دیگری است و نقش جانوران دیگر هم آن را احاطه کرده‌اند.

در میان نقش‌های پارچه‌های ساسانی نقوسی وجود دارد که مانند آنها را در غارهای ترکستان شرقی تقلید کرده‌اند.

«لوکونین» علل و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی شکست روم از ایران را چنین توصیف می‌کند: «... در آن روزگار روم از نظر اقتصادی و سیاسی وضعی بسیار در هم و آشفته داشت. با بحران عمومی نظام برده‌داری و انحطاط اقتصادی شدیدی که کشور روم را فراگرفته بود، همواره شورش و قیام سربازان و هجوم نیروهای وحشی، آن سرزمین را به لرزه افکنده بود... همه چیز دستخوش انحطاط گشته بود.

کیبیریانوس که در این دوران می‌زیست چنین نوشته است: «در کشتزارها برزگر، در دریا ملوان، در سپاه سپاهی، در مجلس، شرف و وجدان و در دادگاه‌ها دادگر به قدر کفایت نیست.»

گیبون می‌نویسد: «ندای تاریخ که اکثراً چیزی جز پیک تنفر یا چالپوسی نیست، شاپور را سرزنش می‌کند که از سر کبر، استیلای بر دشمن را وسیله سوء استفاده قرار داد. می‌گویند والرین را با جبه و پیرایه‌های امپراتوری زنجیر کرد و در معرض تماشای خلاق گذاشت ... و هرگاه که شهریار ایران می‌خواست بر مرکب خویش سوار شود، پا بر گردن والرین می‌گذاشت.»

علیرغم تمام نکوهش‌های متفقی‌نش که کرارا شاپور را از فراز و نشیب‌های بخت و اعاده قدرت امپراتوری روم برحذر می‌ساختند و به وی تذکر می‌دادند که آن اسیر عالیقدر را گروگان صلح سازد ... شهریار

فاخری که در ایران و چه در سرزمین بیزانس بافته‌اند، دیده می‌شود. در این‌که بافندگی بیزانس کاملاً تحت نفوذ و تأثیر صنایع ایران بوده، جای هیچ شکی نیست.

در نقش‌های برجسته طاق بستان، نقوش بسیاری از پارچه‌ها را با کمال دقت ساخته‌اند و در نقش پارچه‌هایی که بر تن پادشاه، تمثال‌های مذهبی، زنان نوازنده و پاسبانان شکارگاه هست، نقش‌های خوبی دیده می‌شود.

نقش‌های این پارچه‌ها گاهی دارای گل‌های چهار پر با اشکال و رنگ‌های مختلف است، گاه شطرنجی است و گاهی دارای نقش حیوانات مانند بز کوهی، خروس، مرغابی و حواصیل که روبروی هم قرار گرفته‌اند، گاهش نیز نقش‌های مرکب دیده می‌شود.

در تصویر شماره ۴، پارچه ابریشمی بیزانسی متعلق به قرن ۸ پیش از میلاد دیده می‌شود که در موزه شهر لیون فرانسه از آن نگهداری می‌گردد. در این نقش مرتب از گل و ستاره استفاده شده یا تاجی از مروارید در اطراف هلالی قرار گرفته و یا در طرف شکل، مرغی نقش کرده‌اند.

در این نقش برجسته، زنانی که در زورق‌ها پارو می‌زنند، جامه‌هایی بر تن دارند که نقش آن سر خوک است و یک قطعه پارچه ساسانی با همین نقش امروز در موزه برلین موجود است که لفافه یک شی متبرک کلیسا بوده است.



تصویر شماره ۴- پارچه ابریشمی بیزانسی

پس از فتح سوریه و انطاکیه و رها، والرین امپراتور روم، را با ۷۰ هزار لژیونر رومی و فرماندار شهر و سناتورها و اشراف و بزرگان روم اسیر کرد و آنان را به ایران فرستاد و آنها در شهرهایی که خود به سبک اردوگاه‌های نظامی رومی بنا کرده بودند مستقر شدند. امپراتوری روم چنین پیکاری را به خود ندیده بود. پیروزی شاپور اول نشانه‌ای از نیرو و همبستگی دولت نوپیدا ساسانی بود.

هنر و صنعت در این دوره به درجه مناسبی رسیده بود. به طوری که در نقش ظروف نقره ساسانی نیز تصویری از جامه‌ها و پارچه‌ها و نقوش آنها وجود دارد که با آنچه تا امروز باقی مانده، تطابق دارد. در اواخر دوره ساسانی، پارچه‌های ایرانی را به اقصی نقاط دنیا می‌برند و چنان مطلوب بوده است که اغلب از آنها تقلید می‌شد.

در این پارچه‌ها نقشی که بسیار دیده می‌شود شاخ و برگ گل‌های گرد و حلقه‌ها و تاج پیچ در پیچ و اشکال حیوانات و انسان است که روبروی هم قرار گرفته است. اغلب هوم - گیاه مقدس دین زرتشت - را در میان آنها قرار داده‌اند.

در تصویر شماره ۳، پارچه زربفت بیزانسی شبیه پارچه‌های که برای کفن سنت سیویارد به کار رفته، دیده می‌شود. این نقشه‌ها عیناً چه در پارچه‌های



تصویر شماره ۳- پارچه زربفت

در قرن چهارم میلادی، ایرانیان تجارت با شرق را منحصر به خود کرده بودند و پارچه‌هایی که از راه زمین به ساحل مالایا وارد می‌شدند و هم‌چنین مصنوعات چینی که از راه دریا به وسیله کشتی‌ها به هندوستان جنوبی و جزیره سیلان می‌رسید، همه را یک‌جا می‌خریدند.

ساسانی حاضر به هیچ‌گونه گذشت نبود. چون والرین سرانجام، در زیر بار سنگین شرمساری و اندوه، جهان را بدرود گفت، پوستش را از کاه پر کرده به شکل پیکره آدمی، در مشهورترین پرستشگاه‌های ایران حفظ کردند. سپس گیون می‌نویسد: «این داستان آموزنده و حزن‌انگیز است اما به اغلب احتمال در صحت آن باید تردید داشت؛ نمی‌توان تصور کرد پادشاهی، از سر رشک، حتی در مقام معامله با رقیب خویش، شأن پادشاهان را علناً چنین خوار سازد...» حکومت ایران از متخصصین و کارشناسان مختلفی که در بین این عده بودند برای اجرای نقشه‌های وسیع عمرانی استفاده کرد و به کمک معماران و مهندسين رومی، پل‌ها، سدها، شهرها و طرق ارتباطی بسیاری ساخته شد که آثار برخی از آنها هنوز باقی است.

شاپور این اسرای دانا را که در بین آنها عده‌ای مهندس، معمار، پزشک و مساح بود، در پیروی از آداب و رسوم خود آزاد گذاشت و در همان ایامی که



تصویر شماره ۵- پارچه ابریشمی



تصویر شماره ۶- پارچه ابریشمی

امپراتور روم پیروان مسیحیت را اعدام می‌کرد، شاپور به مسیحیان اجازه داد برای خود کلیسا بسازند. شاپور دستور داد غلبه او را بر «والریانوس» بر روی صخره‌ای در فارس منقوش سازند. در دوره سلطنت این پادشاه، امور اقتصادی و اجتماعی شاهنشاهی پیش‌ازپیش منظم گردید. آثار علمی یونانیان و رومیان در رشته فلسفه، نجوم، طب، ترجمه شد و در دسترس اهل علم قرار گرفت. شاپور، مانی را در اشاعه دین خود آزاد گذاشت، ولی چنانکه بتفصیل خواهیم دید، بهرام اول با وی از در دشمنی درآمد و به دستور او مانی را اعدام کردند.

شاپور در دوران زمامداری خود، غیر از پیروزی‌های نظامی، به فعالیت‌های عمرانی وسیعی دست زد که از آنجمله است، سد نزدیک شوشتر که به بند قیصر معروف است و شهر شاپور در نزدیکی کازرون فارس و شهر جندی‌شاپور (بین شوشتر و دزفول) قابل ذکر است. شهر اخیر از مراکز مهم علوم و فنون ایران در آن دوره بوده است، و بیمارستان بزرگ این شهر و پزشکان عالی‌قدری که در آن کار می‌کردند شهرت جهانی داشتند. وفات شاپور اول در سال ۲۷۱ میلادی اتفاق افتاد.

هانری دالمانی در کتاب سفرنامه از خراسان تا بختیاری می‌نویسد که صنعت پارچه‌بافی در ایران از زمان قدیم بسیار اهمیت داشت و به متتهای درجه

کمال رسیده بود. نساجان، مواد گرانبهایی را از قبیل ابریشم، مفتول سیب و زر در پارچه به کار می‌بردند و منسوجات بسیار نفیس و بی‌نظیری را می‌بافتند. نمونه این نوع پارچه‌های گرانبه‌های قدیمی اکنون در موزه‌های اروپا و کلیساهای قدیمی موجود و محفوظ است.

در قرون وسطی، فرانسویان نمی‌دانستند که این پارچه‌ها محصول کدام یک از کشورهای دنیاست و فقط می‌دانستند این منسوجات از کشورهای خاوری و آن طرف دریاها، به اروپا وارد می‌شود. غالباً سیاحان با عزم و همت بلند و زحمات فراوان، نمونه آنها را به کشورهای باختری می‌آوردند و ثروتمندان مانند جواهر قدیمی از این پارچه‌ها نگهداری می‌کردند برخی هم برای نشان دادن خلوص عقیده و ایمان خود آنها را به کلیسا تقدیم می‌کردند تا به‌عنوان پوشش صندوق‌های معنوی یادگارهای مقدس به کار روند اما متأسفانه طوفان انقلاب‌های مختلف، آنها را از بین برد و اکنون فقط قطعاتی در برخی کلیساها وجود دارد.

در تصویر شماره ۵، پارچه ابریشمی مشاهده می‌شود که دارای نقوش متقارن است و پهلوانان ساسانی را نمایش می‌دهد که سوار بر اسب‌های بالدار هستند. در یک‌دست هوم و در دست دیگر شیر کوچکی دارند. نوع دیگر از پارچه‌های تولید ایران که بسیار نفیس و با ارزش هستند و از ایران به آلمان رفته، در تصویر



تصویر شماره ۷- پارچه ابریشمی



آلمانی‌ها، پارچه کفن شارلمانی را که از منسوجات ایران بوده است در شهر اکس لاشاپل حفظ کرده‌اند. در شهر کلنی و خزائن کلیساهای سنت اورسول و سنت کونیبرت، نمونه‌هایی از تافته‌های ایرانی متعلق به قرون ششم و هشتم پیش از میلاد باقی مانده است

تاریخ ایران در سده سوم میلادی زیر سایه ایشان قرار گرفت.

اواخر سده دوم و اوایل سده سوم میلادی در قلمرو اشکانیان و سرزمین‌های پیرامون آن روزگار، بحران‌های بزرگ اقتصادی، فرهنگی و فکری وجود داشت. این بحران‌ها که چند دهه آخر حکومت اشکانان را به کلی فرا گرفته بود، در مناطق جنوب غربی ایران و جنوب میان‌رودان با وضوح بیشتر دیده می‌شد و نشانه آن ظهور عقاید و آئین‌های زاهدانه و ریاضت طلبانه توأم با بدبینی به زندگی و عالم جسمانی بود.

زمانی که بیش از یک قرن به پایان شاهنشاهی اشکانیان باقی مانده بود، سه لشکرکشی بزرگ رومیان به ایران به ترتیب به دست تراپانوس هادریانوس در دوره خسرو اشکانی، مارکوس اورلیوس در زمان بلاش چهارم و سرانجام سپتیموس سوروس در عهد بلاش پنجم، انجام شد که نه تنها تیسفون را عرصه نهیب و غارت قرار داد بلکه میان‌رودان و به ویژه مناطق جنوبی آن را با فقر، بیماری و مرگ روبرو ساخت و بنیان‌های اقتصادی را در این نواحی ویران کرد. از این رو شگفت‌آور نیست که اواخر روزگار اشکانیان، آراء و فرقه‌های گنوسی انتشار قابل ملاحظه‌ای بیابند.

پاتیگ- پدر مانی- به طایفه مغتسله از مذاهب گنوسی رایج در میان‌رودان آن روزگار پیوسته بود. مانی در چنین محیطی پرورده شده بود از این روست که صیغه گنوسی کیش مانی مورد توافق بسیاری از محققین قرار گرفته و گزارشات موجود در مورد خانواده و دوران کودکی و نوجوانی مانی نیز ابهام‌آمیز است.

رومیان تا قرن پنجم، ابریشم را از ایرانیان می‌خریدند و چون در معاملات با تجار ایرانی، پیوسته با مشکلاتی برمی‌خوردند، ژوستینیان- امپراتور روم- برای رفع اشکال درصدد برآمد با اهالی حبشه که مالک قسمت زیادی از عربستان بودند، سازش کند و پیمان تجاری با آنها ببندد تا شاید بتواند به این وسیله تجارت قدیمی را که سابقاً از راه بحر احمر انجام می‌شد، دوباره برقرار سازد اما اقدامات او به نتیجه‌ای نرسید زیرا پادشاه حبشه پاسخ داد مبارزه کردن با تجار ایرانی در بازار هندوستان برایش امکان‌پذیر نیست. به هرحال نمونه این پارچه‌های نفیس هنوز در بعضی از خزائن ملی ما یافت می‌شود.

پارچه‌های مذکور به وسیله اولین مسیحیانی که برای زیارت به خوار رفته بودند، وارد اروپا شد. در تزئین پارچه‌های قدیمی ایرانی، آثار مذهبی هم دخالت داشته است زیرا در اغلب آنها نقش هوم و تصاویر آتشکده‌ها دیده می‌شود.

در تصویر شماره ۷، پارچه ابریشمی با نقوش متقارن دیده می‌شود که بهرام گور را در حال شکار نمایش می‌دهد. گاهی اوقات، طراح یا هنرمند با استفاده از تخیلات خود یا با ایده گرفتن از اشیاء اطراف خود، طرح‌هایی روی پارچه‌ها پیاده می‌کند و اثرات بسیار زیبا و خلاقانه را بروز می‌دهد.

معمولاً این پارچه‌ها با صور خیالی مانند حیوانی که بدن آن به شکل اسب است و شاخی در پیشانی خود دارد یا طاووس هندی که گاهی آدمی بر آن سوار شده است. همچنین با شکل انسان، اسب، عقاب، ببر، یوزپلنگ و سایر حیوانات که در ایران و هندوستان وجود دارد و انواع گل و ریحان و درختان سیب و نارنج تزئین یافته‌اند.

مانی و کردیر

تاریخ ساسانیان در نخستین دهه‌های ظهور این سلسله، زیر نفوذ دو شخصیت دینی شکل گرفته است. یک پیامبر و یک موبد. با این حال این دو مرد دین در کنار شاهان ساسانی، اردشیر بابکان و شاپور اول به بزرگ‌ترین بازیگران عصر تبدیل شدند و



تصویر شماره ۸- پارچه عهد ساسانی

شماره ۶ به کار رفته است. این پارچه ابریشمی بیزانسی، کفن سن‌ویکتور است و در گنجینه کلیسای سانس وجود دارد.

آلمانی‌ها، پارچه کفن شارلمانی را که از منسوجات ایران بوده است در شهر اکس لاشاپل حفظ کرده‌اند. در شهر کلنی و خزائن کلیساهای سنت اورسول و سنت کونیبرت، نمونه‌هایی از تافته‌های ایرانی متعلق به قرون ششم و هشتم پیش از میلاد باقی مانده است.

در قرن دوم قبل از میلاد، مردم آسیای مرکزی با ابریشم آشنایی داشتند زیرا چینی‌ها آن را به شکل نخ به آن نواحی صادر می‌کردند. پارت‌ها نیز در دوران اقتدار خود، نساجان قابلی داشتند که منسوجات پشمی و کتانی خوبی برای آنها می‌بافتند.

بعدها طرز بافتن پارچه‌های ابریشمی را دریافتند و چون می‌خواستند این صنعت منحصر به خودشان تعلق داشته باشد و دیگران از اسرار آن آگاه نگردند، تمام ابریشم چین را به ایران وارد می‌کردند و پس از آن که به صورت پارچه‌های نفیس و عالی با رنگ‌های شفاف و درخشان و زیبا درمی‌آوردند، به کشورهای دیگر صادر می‌نمودند.

در قرن چهارم میلادی، ایرانیان تجارت با شرق را منحصر به خود کرده بودند و پارچه‌هایی که از راه زمین به ساحل مالایا وارد می‌شدند و همچنین مصنوعات چینی که از راه دریا به وسیله کشتی‌ها به هندوستان جنوبی و جزیره سیلان می‌رسید، همه را یکجا می‌خریدند و بعد به آسیای صغیر و ممالک دیگر صادر می‌کردند بنابراین تجارت شرق و غرب، منحصرأ به آنها اختصاص داشت.